

بررسی نقش عوامل ادراکی شناختی در ایجاد حس مکان در محلات قدیمی

ارغوان رضانی^۱

کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه هنر تهران E-mail: a2m_rmzn@yahoo.com

چکیده:

محل به تدریج تضعیف شد. ورود خودرو و سهولت امکان حرکت آن، باعث تخریب فضای کالبدی محلات تاریخی به ویژه مراکز محله‌ای و تضعیف قلمرو محله‌ای در بافت‌های جدید گردید. روند توسعه‌های موجود در شهرهای ما، به ویژه شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که مناطق مسکونی به دلیل توسعه نابسامان و مغشوش، در معرض از دست دادن شخصیت و هویت دیرینه خود قرار گرفته‌اند (برک‌پور، ۱۳۸۰). روند شکل‌گیری محله‌های قدیمی که در طول دوره‌ای طولانی شکل گرفته بودند، به گونه‌ای بوده است که در پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی ساکنین از کارایی لازم برخوردار باشند. اما به نظر می‌رسد دگرگونی در عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی شهرها به طور عام و در محله‌ها بطور خاص، اثرات منفی قابل توجهی بر کارایی آنها در پاسخگویی به نیازهای ساکنین داشته است (عزیزی، ۱۳۸۵). از جمله پیامدهای از هم پاشیدگی محلات را عدم احساس تعلق و وابستگی به محل و محله زندگی، از دست دادن هویت اجتماعی و کالبدی، عدم اعتماد متقابل و عدم احساس مسئولیت در قبال شرایط و مسئولیت‌های اجتماعی مشترک می‌توان بیان نمود که به طبع باعث محو شدن زندگی جمعی، کاهش ارتباطات و تعاملات میان مردم و حضور مردم در این گونه بافت‌ها شده است. این آسیب‌ها سبب شده تا محلات کهن این شهرها از جمعیت اصلی خود خالی شده و جمعیت ساکن در آنها به نقاط دیگری از شهر که معمولاً بافت‌های تازه توسعه یافته شهری، آن هم با الگوهای مدرن است جابجا شوند. در نتیجه این جابجایی، به تدریج بافت‌های قدیمی شهرها کارکرد و حیات اجتماعی-اقتصادی خود را از دست داده اند و این بافت‌ها با از دست دادن حیات شهری خود، به سمت رکود و فرسودگی گرایش پیدا کرده‌اند (صداقت جهرمی، ۱۳۸۷). حس تعلق مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در

امروزه ابعاد انسانی محله بیش از هر زمان دیگر مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته و انسان نیز به عنوان یک موجود اجتماعی به حضور در چنین فضاهایی علاقه فطری دارد. محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. تعلق به مکان حسی است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد و فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند. از سوی دیگر با نگاهی سریع به وضعیت امروزه محلات شهرهای ایرانی به‌سادگی درمی‌یابیم که برخلاف گذشته این مناطق کمتر از نظر معنایی و هویتی اثرگذاری شاخصی بر ساکنان خود دارند. در همین راستا پژوهش حاضر بر آنست که ساختارهای تعلق مکانی در محلات سنتی را شناسایی کرده تا از این ره بتواند چگونگی تقویت نکات مثبت این ساختارها را مشخص کند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با توزیع پرسشنامه در محله قدیمی و سنتی کلپای شهر همدان و تحلیل همبستگی بر روی آن‌ها صورت گرفته است. نتایج ناشی از تحلیل یافته‌های آماری، حاکی از این می‌باشند که یکی از عوامل اثرگذار به‌منظور افزایش حس تعلق به مکان در محلات سنتی عوامل ادراکی شناختی می‌باشند و نقش مهمی در تشویق ساکنین به حضور و تعامل در فضا دارد و به شکل‌گیری تصویر ذهنی قوی از هویت مکان در ذهن مخاطبان کمک می‌کند.

کلمات کلیدی: محله، مکان، حس تعلق به مکان، عوامل ادراکی شناختی، محله کلپا.

مقدمه:

محله دارای پیشینه‌ای طولانی در شهرنشینی ایران است. سهم مهمی از سطح شهرها را ساختمان‌ها و محله‌های مسکونی می‌پوشاند. از این رو کیفیت آن‌ها تأثیر مهمی در سیما و منظر عمومی شهر دارد. با ورود مدرنیسم در شهرسازی کشور مفهوم